



Validation of the Narratives of “Wus’at Manzil (Expanding House Size)” *

Mahmoud Karimi^۱

Nabiyullah Salari^۲

Saeed Sarafaraz^۳

Abstract

The accurate understanding of Ahl al-Bayt’s Hadiths is an important issue that has been the focus of Hadith scholars for a long time. Considering that there are different interpretations of the Hadiths of “Wus’at Manzil (Expanding House Size)” in the society, this article intends to validate and correctly understand these Hadiths using the method of two famous Hadith scholars (Allama Majlisi and Mohammad Baqir Behboodi). According to Allama Majlisi's method, weak Hadiths can also be used to understand other Hadiths; But according to Mohammad Baqir Behboodi's method, until the Hadith document is not corrected, that Hadith cannot be considered as proof. For this reason, the dominant approach in Behboodi's Hadith research is to correct Hadiths chain. Of course, the review and analysis of the text cannot be ignored from him. Considering that the focus of the Behboodi's method is on correcting the document, if we take from the historical reports of the permission of the size of the house, the narrations of the size of the house indicate the permission of a large house in its general sense. On the other hand, according to the Hadiths that indicate having a home and sustenance as much as one needs and enough, as well as the Hadiths that recommend providing comfort for the family, according to Allama Majlisi's method, the sum of these Hadiths is that a Muslim person, for the comfort of his family, if he owns a small house, he should try to provide a bigger house - as much as he needs. Considering the fact that the Shia traditions do not conflict in this regard, the ruling “What agrees with the Sunnis, should be rejected” has no relevance regarding these Hadiths.

Keywords: “Wus’at Manzil (Expanding House Size)”, The Smallness of the House, Validation of Hadith, Allama Majlisi, Mohammad Baqir Behboodi.

*. **Date of receiving:** ۰۷/۱۲/۲۰۲۱, **Date of approval:** ۰۷/۰۶/۲۰۲۲.

۱. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran; (karimimahmoud@gmail.com).

۲. Master Level Student, Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran; (nabi.salari@gmail.com).

۳. Master Level Student, Department of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran; (sa.sarafraz۶۳۸۲@gmail.com).



اعتبارسنجی روایات «وسعت منزل»*

محمود کریمی^۱ و نبی‌الله سالاری^۲ و سعید سرافراز^۳

چکیده

فهم صحیح احادیث اهل بیت، مسأله مهمی است که از دیرباز مورد توجه حدیث‌پژوهان قرار گرفته است. با توجه به اینکه برداشت‌های متفاوتی از احادیث «وسعت منزل» در جامعه وجود دارد، این مقاله در صدد است با استفاده از روش دو تن از حدیث‌پژوهان مشهور (علامه مجلسی و محمدباقر بهبودی) به اعتبارسنجی و فهم صحیح این احادیث بپردازد. طبق روش علامه مجلسی، از احادیث ضعیف السند نیز می‌توان برای فهم دیگر احادیث بهره برد؛ اما طبق روش محمدباقر بهبودی تا هنگامی که سند حدیث تصحیح نشود، نمی‌توان آن حدیث را حجت دانست. به همین دلیل رویکرد غالب در حدیث‌پژوهی بهبودی، تصحیح سند احادیث است؛ البته بررسی و تحلیل متن را نمی‌توان از او نادیده گرفت. با توجه به اینکه تمرکز بیشتر روش بهبودی بر تصحیح سند است، اگر از گزارش‌های تاریخی جواز وسعت خانه برداشت شود، روایات وسعت منزل، بر جوازداشتن منزل وسیع به معنای عام آن، دلالت می‌کند. در مقابل، با توجه به روایاتی که به داشتن منزل و رزق به اندازه نیاز و کفاف دلالت دارند و همچنین احادیثی که به فراهم کردن آسایش خانواده توصیه می‌کنند، طبق روش علامه مجلسی جمع این احادیث آن است که شخص مسلمان برای راحتی خانواده‌اش، در صورت داشتن خانه کوچک، باید برای فراهم کردن خانه‌ای بزرگتر - به اندازه کفاف و نیاز - تلاش کند. با توجه به اینکه روایات شیعه در این باب متعارض نیستند، حکم «ما وافق العامة فردوه» در مورد این احادیث موضوعیتی ندارد.

کلیدواژه‌ها: وسعت منزل، کوچکی منزل، اعتبارسنجی حدیث، علامه مجلسی، محمدباقر بهبودی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران «نویسنده مسئول»؛ (karimiimahmoud@gmail.com).

۲. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران؛ (nabi.salari@gmail.com).

۳. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران؛ (sa.sarafraz6382@gmail.com).



مقدمه

قبل از فهم احادیث باید از صدور، عدم تحریف و جعل احادیث از جانب اهل بیت (علیهم السلام) اطمینان پیدا کرد. برای این کار، حدیث پژوهان راهکارهایی ارائه داده‌اند. برخی از اخباریان قائل به قطعیت صدور روایات کتب اربعه از امامان معصوم (علیهم السلام) هستند و این چهار کتاب را از نظر بررسی سندی بی‌نیاز می‌دانند. برخی دیگر مانند آیت الله خویی، اعتبار کتب اربعه را کافی نمی‌دانند و قائلند باید سند روایات را بررسی کرد و اگر سند ضعیف بود، آن حدیث از اعتبار و حجیت ساقط است. در این مقاله برای اعتبارسنجی و فهم احادیث وسعت منزل، روش علامه محمدباقر مجلسی که تا حدودی گرایش اخباری دارد و روش مرحوم محمدباقر بهبودی، یکی از حدیث پژوهان معاصر، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در باب احادیث وسعت منزل دو برداشت وجود دارد؛ یکی آنکه وسعت منزل هرچه باشد اشکالی ندارد. دیگر آن که وسعت منزل حدی دارد و فراتر از آن حد، مصداق تجمل است؛ و از آن جایی که اهل بیت ساده زیست بودند، برداشت نخست از روایت نادرست است.

در این مقاله، احادیث باب وسعت منزل از کتاب الکافی اعتبارسنجی می‌شوند. دلیل انتخاب کتاب الکافی آن است که اولاً این کتاب از کتب اربعه و منابع اصلی شناخت دین است و ثانیاً به دلیل نزدیکی به دوره معصومان (علیهم السلام) و جامعیت نسبی آن، نسبت به منابع حدیثی مشابه برجستگی خاصی دارد. افزون بر این، احادیث وسعت منزل نیز به طور نسبتاً جامع در این کتاب نقل شده است. علامه مجلسی نیز الکافی را از ضابط‌ترین و جامع‌ترین اصول می‌داند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳/۱).

در مورد پیشینه تحقیق این مقاله باید گفت که تا کنون مقاله‌ای در موضوعاتی چون «فهم احادیث مربوط به وسعت منزل»، نگاشته نشده است و معمولاً در پژوهش‌هایی با موضوعاتی چون «تجمل‌گرایی از دیدگاه قرآن و روایات» (افشاری، ۱۳۸۹: ۶۹) و نیز «معماری از منظر آیات و روایات» (موسوی امیری، ۱۳۹۶: ۴۵) اشاره‌ای به این احادیث شده است. وجه نوآوری این پژوهش آن است که به طور خاص به دسته‌بندی این احادیث و سنقد سندی و درایی احادیث وسعت منزل بر اساس روش علامه مجلسی و مرحوم محمدباقر بهبودی می‌پردازد.

۱. ابتدأت بکتاب الکافی للشیخ الصدوق ثقة الإسلام مقبول طوائف الأنام مددوح الخاص و العام، محمد بن یعقوب الكليني حشره الله مع الأئمة الكرام لأنه كان أضبط الأصول و أجمعها و أحسن مؤلفات الفرقة الناجية و أعظمها.

الف. روش علامه مجلسی در نقد سندی و متنی حدیث

علامه مجلسی در آثار خود به‌ویژه در مرآة العقول به نقد سندی و متنی احادیث اقدام کرده است. روش و معیارهای نقد سندی و متنی علامه در مرآة العقول در مقاله «روش‌های مجلسی در نقد سند حدیث با تکیه بر مرآة العقول» (ایزدی مبارکه، ۱۳۸۹: ۵۳-۷۶) و نیز مقاله «روش فقه الحدیثی علامه مجلسی در مرآة العقول» (خدامیان آرانی، ۱۳۹۳: ۹۳-۱۱۵) مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. نقد سندی احادیث

روش‌های علامه مجلسی برای نقد سند احادیث عبارتند از: توجه به ویژگی‌های شخصیتی راویان، امکان نقل روایت با لحاظ طبقه‌راوی، کشف تصحیف، بررسی حالات مختلف عطف در یک سند، بررسی احتمالات موجود در مرجع ضمیر، نقد بر اساس احتمالات موجود در تشخیص راویان، نقد مستقل نسخه‌های مختلف از یک روایت، نقد بر اساس اسانید روایات دیگر یک راوی، ارزیابی مجموع اسانید یک روایت و نقد بر اساس جبران ضعف سند. علامه مجلسی برای جبران ضعف سندی روایات به قرائنی استناد می‌کند؛ از جمله نقل روایت با سندی صحیح، صحت برخی روایات از منظر برخی از عالمان امامیه، دلالت روایت بر حکم فقهی مشهور، شهرت روایت نزد متقدمان امامیه، فتوای برخی از فقیهان امامی به روایت، تلقی به قبول شدن از منظر امامیه، تکرار روایت در اصول. هدف اعتبارسنجی علامه مجلسی با اعتبارسنجی علمای معاصر مانند آیت‌الله خویی تفاوت دارد. علامه مجلسی احادیث را به‌خاطر ضعف سند نامعتبر نمی‌داند؛ بلکه هنگام تعارض دو حدیث، حدیثی را که از لحاظ سندی اعتبار بیشتری دارد، بر می‌گزیند. به عبارتی، ایشان اعتبار سند حدیث را در جایی ملاک قرار می‌دهد که احادیث متعارض وجود داشته باشد. بنابراین، دلیل اعتبارسنجی سند احادیث توسط علامه مجلسی این است که به هنگام تعارض دو حدیث، حدیثی را که سند معتبرتری دارد بر دیگری ترجیح دهد. مجلسی در مرآة العقول این مطلب را بیان کرده است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲/۱). استفاده علامه مجلسی از احادیث ضعیف السند برای شرح روایات کتاب الکافی دلیل دیگری بر این مطلب است.

۲. نقد متنی احادیث

روش‌های علامه مجلسی برای نقد متن احادیث عبارتند از: ۱- احراز صحت متن به کمک نسخه‌های دیگر حدیث، یافتن تصحیفات و تحریفات متن، شناسایی و جداسازی متون مدرج؛ ۲- فهم

۱. أنَّ وجود الخبر في أمثال تلك الأصول المعتبرة مما يورث جواز العمل به، لكن لا بدَّ من الرجوع إلى الأسانيد لترجيح بعضها على بعض عند التعارض.



متن به کمک لغت‌نامه‌ها و کتب شعر عرب، علم صرف و نحو و بلاغت، آیات قرآن، احادیث دیگر، شرح‌های دیگر علماء، کتب دیگر مانند غریب الحدیث، فقه، و تفسیر، توجه به مباحث اعتقادی، و نهایتاً مخالفت با عامه.

۳. استفاده علامه مجلسی از احادیث ضعیف السند برای توضیح روایات

علامه مجلسی در شرح احادیث کافی برای فهم بهتر و عمیق آن‌ها از روایات دیگر نیز بهره می‌برد تا بتواند معنای درستی را ارائه دهد. از امام صادق (ع) روایت شده است: حاملان عرش، هشت نفرند؛ چهار نفر آنان از ما هستند و چهار نفرشان از هر کسی که خدا بخواهد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۱). علامه مجلسی در مرآة العقول این حدیث را مجهول می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۸۰/۲). احتمالاً به خاطر وجود محمد بن فضیل در سلسله سند این حدیث، علامه این حدیث را مجهول می‌داند؛ چرا که این فرد در سه کتاب از کتب رجال ثمانیه متهم به غلو شده (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۵؛ تقی‌الدین تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲: ۵۱۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۱) و در دیگر کتب، توضیحی درباره جرح و تعدیل او بیان نشده است. علامه مجلسی می‌نویسد: مراد از «اربعة منا»، رسول خدا، امیر مؤمنان (ع)، امام حسن و امام حسین (ع)، و مراد از چهار نفر دیگر، حضرت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی (ع) هستند؛ دلیل وی روایتی است که از امام کاظم (ع) نقل شده است^۲ (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴: ۸۰/۲). این در حالی است که روایت مذکور که در کتاب کافی نقل شده، به دلیل وجود سه روای مجهول به نام‌های علی بن الحسین النیسابوری، ابراهیم بن احمد و عبدالرحمن سعید الملکی، ضعیف است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸۵/۴) و خود علامه مجلسی در کتاب مرآة العقول، این حدیث را مجهول می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۳/۱۸). احتمالاً عدم رد این گونه احادیث توسط علامه مجلسی به دلیل حدیثی در کافی باشد که در آن امام باقر (ع) می‌فرماید: «بدترین و مبغوض‌ترین اصحاب نزد من، کسی است که هرگاه حدیثی را بشنود که به ما نسبت دهند و از ما روایت کنند، درباره (جوانب آن) نیندیشد و آن را نپذیرد و از آن بدش آید و انکارش کند. و هر کسی هم به آن معتقد باشد، بدگویی و تکفیرش می‌کند؛ در صورتی که او هیچ نمی‌داند که چه بسا از ما صادر شده باشد و او به سبب انکارش از ولایت ما خارج گردد»^۳ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۳/۲). علامه مجلسی در مرآة العقول سند این حدیث را صحیح می‌داند و می‌گوید: «این حدیث بر عدم جواز انکار احادیثی که از اهل بیت (ع) به ما می‌رسد، دلالت دارد اگرچه عقل ما به فهم آن حدیث نرسد»^۴ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹۱/۹).

۱. حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَالْعَرْشُ الْعِلْمُ ثَمَانِيَةُ أَرْبَعَةٍ مِنَّا وَأَرْبَعَةٌ مِمَّنْ شَاءَ اللَّهُ.

۲. الْعَرْشُ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ نُوْحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ.

۳. إِنَّ أَسْوَأَهُمْ عِنْدِي حَالًا وَ أَمَقَّتَهُمْ لِلَّذِي إِذَا سَمِعَ الْحَدِيثَ يُنْسَبُ إِلَيْنَا وَ يُرَوَى عَنَّْا فَلَمْ يَقْبَلْهُ اسْمًا زَمَنَهُ وَ جَحَدَهُ وَ كَفَّرَ مَنْ دَانَ بِهِ وَ هُوَ لَا يَدْرِي لَعَلَّ الْحَدِيثَ مِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ وَ إِلَيْنَا أُسْنِدٌ فَيَكُونُ بِذَلِكَ خَارِجًا عَنْ وَلَائِنَا.

۴. يدل على عدم جواز إنكار ما وصل إلينا من أخبارهم وإن لم تصل إليه عقولنا.

ب. روش محمدباقر بهبودی در نقدی و متنی حدیث

مرحوم محمدباقر بهبودی یکی از حدیث پژوهان معاصر است که دیدگاه‌های جدیدی در نقد و فهم حدیث مطرح کرد. برخی از روش‌های او در کتاب‌های علل الحدیث و معرفة الحدیث بیان شده است. علت از نظر بهبودی اعم از هر گونه عیب یا بیماری پنهان یا آشکار احادیث است. علت به سه دسته علل موجود در سند، متن، متن و سند تقسیم‌بندی می‌شود. روش‌های بهبودی در مقالاتی مانند «علت در حدیث و موازین شناخت آن از دیدگاه استاد محمدباقر بهبودی» (مظاهری طهرانی، ۱۳۹۴: ۲۶-۵۳) و «دیدگاه‌های استاد محمدباقر بهبودی در گزینش احادیث صحیح» (سرشار، ۱۳۸۷: ۳۰۰-۳۲۹) تبیین شده است.

۱. علل موجود در سند

مرحوم بهبودی برای یافتن علل موجود در سند از روش‌هایی استفاده می‌کند که عبارتند از:

- ۱- یافتن هرگونه عدم اتصال در سند. در این زمینه، مرحوم بهبودی به بررسی امکان سماع راوی از مروی عنه یا امام با توجه به سال موالید و وفات و طبقه راویان، مقابله احادیث دارای سند و متن مشابه و مقابله احادیث پشت سرهم در جوامع حدیثی می‌پردازد.
- ۲- یافتن تصحیف یا تحریف سند. برای این کار مرحوم بهبودی به مقابله سند احادیث دارای متن و سند مشابه، بررسی طبقه و طریق روایت راوی از مشایخ می‌پردازد.
- ۳- یافتن اختلاف و اضطراب سند. در این رابطه، بهبودی به اثبات وجود چندین نفر در مجلس و استناد هر سند به یکی از آن‌ها، نسبت دادن متن به یکی از سندها، با توجه به قرائن، مورد قبول ندانستن حدیث به دلیل اضطراب سند و مشکلات متنی می‌پردازد.
- ۴- یافتن تخلیط در سند. مرحوم بهبودی برای یافتن تخلیط در حدیث به مقابله حدیث با احادیث دارای متن و سند مشابه یا بررسی طبقه و طریق روایت راوی از مشایخ می‌پردازد.

۱. توقیع بودن یا مکتوب بودن حدیث. بهبودی معتقد است که توقیعات و مکتوبات حدیثی به‌طور کلی حجت نیستند (بهبودی، ۱۳۷۸: ۳۴۴).

۲. علل موجود در متن و سند

برخی علل موجود در احادیث به هر دو حوزه سند و متن مربوط می‌شود. این علل عبارتند از عدم سازگاری ادعای راوی در متن با وضعیت جسمانی او، اشتباه شدن کنیه راوی با امام، تخلیط متن همراه با تخلیط سند.



علل موجود در متن

از دیدگاه بهبودی عواملی که موجب علیل شدن متن می‌گردد عبارتند از ۱- مخالفت محتوای حدیث با قرآن، احادیث صحیح، مسلمات مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و اجماع؛ ۲- ناسازگاری محتوای حدیث با واقعیات تاریخی زمان صدور؛ ۳- هم‌سو بودن حدیث با منافع شخصی راوی؛ ۴- نسبت داده شدن یک ماجرا به افراد مختلف و قصه پردازی در حدیث؛ ۵- تخیل کلام یا فتوای راوی با متن حدیث؛ ۶- تخیل متن دو حدیث؛ ۷- تصحیف یا تحریف متن حدیث؛ ۸- تعریض داشتن متن حدیث مانند طفره رفتن امام از جواب مستقیم، استناد به روایت یا اعمال دیگران، تعلیل ناموجه، قسم جلاله برای اثبات حکم شرعی، تعلیق حکم شرعی به مشیت خدا، بیان حکم به عنوان نظر شخصی راوی یا سؤال کننده، بیان حکم با ذکر ناخوشایند بودن آن، ذکر پدران به نام و نه کنیه.

مرحوم بهبودی بیان می‌کند: «در برخی مصادر هست که امام علیه‌السلام فرموده‌اند: ما وافق العامة فردوه و ما خالف العامة فخذوه، یا فرموده‌اند: ما وافق القرآن فخذوه و ما خالف القرآن فردوه، یا در جای دیگر می‌فرمایند: ما خالف القرآن لم نقله، یعنی اگر چیزی مخالف قرآن باشد، آن را ما نگفته ایم. این مطلب معنایش آن است که آن مطلب حتما جعل شده است (بهبودی، ۱۳۸۱: ۷۸).

از نظر بهبودی، کوشش‌های حدیث‌بانان شیعی در پاسداری از میراث حدیثی ائمه علیهم‌السلام در برابر حدیث‌سازان زندیق و غالی، به ثمر نشست و احادیث موضوعه بسیاری به کتب حدیث شیعه راه یافت (نادری، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۵۴).

با توجه به مواردی که بیان شد، از دیدگاه مرحوم بهبودی، احادیثی که ضعف سندی داشته باشند غیرمعتبرند و نمی‌توانند حجت باشند. بنابراین، عمده تلاش بهبودی این است که با روش‌هایی به تصحیح سند احادیث پردازد. اگر سند حدیث تصحیح نشود، متن حدیث نیز اعتبار نخواهد داشت. مرحوم بهبودی بیشتر در زمینه تصحیح سند و متن احادیث کار کرده و در مسئله فهم متن احادیث وارد نشده است. در ادامه به نقد سندی احادیث وسعت منزل در کتاب الکافی پرداخته می‌شود و نظر علامه مجلسی و بهبودی در اعتبار سند احادیث بیان می‌گردد.

ج. نقد سندی احادیث باب وسعت منزل

کلینی احادیث مربوط به وسعت منزل را تحت بابی به نام «سعة المنزل» گردآوری کرده است. ابتدا به ذکر روایات و سپس نقد سندی آن‌ها بر اساس دیدگاه علامه مجلسی و بهبودی پرداخته می‌شود.

حدیث اول

«عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةُ الْمَنْزِلِ» (كلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۵/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۸۹/۲۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۹/۵) «از مؤلفه‌های خوشبختی، وسعت منزل است».

نقد سندی حدیث اول

کلینی این حدیث را از علی بن ابراهیم نقل کرده که با بررسی کتب رجالی می‌توان گفت توثیق شده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۲۳۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۰۰) و در مورد پدرش، ابراهیم بن هاشم، گفته شده او اولین کسی است که حدیث کوفیان را به قم منتقل کرد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶؛ طوسی، بی‌تا: ۱۱؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۲۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۴) و قول ارجح، قبول احادیث او است (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۴). محمد بن اسماعیل نامش در رجال طوسی آمده؛ اما به توثیق یا جرح او اشاره‌ای نشده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۴۰)، با توجه به اینکه کلینی ۱۷۱۸ حدیث از او نقل کرده، می‌توان گفت این فرد نزد کلینی ثقة بوده است. راوی بعدی در سلسله سند، فضل بن شاذان، توثیق شده و با الفاظی چون «متکلم فقیه جلیل القدر» از او یاد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۶؛ طوسی، بی‌تا: ۳۶۱؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۲۷۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۳۲). محمد بن ابی عمیر که از اصحاب اجماع می‌باشد نیز توثیق شده (طوسی، بی‌تا: ۴۰۴؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۵؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۲۸۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۴۰) و هشام بن حکم نیز توثیق شده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۷۸) و از او به عنوان خواص امام کاظم (عليه السلام) نام برده شده است (طوسی، بی‌تا: ۴۹۳).

محمدباقر مجلسی در کتاب «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول» سند این حدیث را «حسن کالصحیح» می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳۶/۲۲). محمدباقر بهبودی، در کتاب گزیده کافی که از دیدگاه خود سعی کرده احادیث صحیح را جمع آوری کند، این حدیث را ذکر نموده که نشان می‌دهد ایشان نیز این حدیث را صحیح دانسته است (بهبودی، ۱۳۶۳: ۴۱/۶). بدین ترتیب، می‌توان سند این حدیث را بر اساس اطلاعات رجالی و روش و معیارهای هر دو دانشمند معتبر دانست.

حدیث دوم

«مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) اشْتَرَى دَاراً وَ أَمَرَ مَوْلَى لَهُ أَنْ يَتَحَوَّلَ إِلَيْهَا وَ قَالَ إِنَّ مَنْزِلَكَ ضَيْقٌ فَقَالَ قَدْ أَحْدَثَ هَذِهِ الدَّارَ أَبِي فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) إِنَّ



كَانَ أَبُوكَ أَحَقَّ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۵/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۸۹/۲۰)
«امام رضا علیه السلام خانه‌ای خرید و به یکی از وابستگان خود گفت: خانه‌ات محقر است، بیا به این خانه‌ای که من خریده‌ام نقل مکان نما. آن مرد گفت: پدرم این خانه را ساخته است. ابوالحسن گفت: اگر پدرت حماقت کرده باشد، شایسته است که تو نیز حماقت کنی؟». در این حدیث ابوالحسن، کنیه امام رضا علیه السلام در نظر گرفته شده؛ در حالی که مشهور است هر وقت مطلق ابوالحسن گفته شود، امام هفتم علیه السلام منظور است و اگر با قید ثانی مقید شود امام هشتم علیه السلام است. با توجه به این مطلب، در این روایت باید مراد از ابوالحسن، امام کاظم علیه السلام باشد. در جواب باید گفت گرچه ابوالحسن به صورت مطلق ذکر شده؛ اما با توجه به اینکه راوی، معمر بن خلاد است، مراد از ابوالحسن، امام رضا علیه السلام می‌باشد؛ زیرا طبق کتاب رجال نجاشی و خلاصة الأقوال علامه حلی، معمر بن خلاد فردی ثقه است که از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۲۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۶۹).

نقد سندی حدیث دوم

برقی این حدیث را با سند عالی‌تری از «مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ» روایت کرده است (برقی، ۱۳۷۱: ۶۱۱/۲). کلینی این روایت را از محمدبن یحیی العطار نقل کرده که در کتب رجالی توثیق شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۳۴۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۵۷). در باره احمدبن محمدبن عیسی الأشعری نیز گفته شده که شیخ قم: وجه و فقیه آنجا بوده و توثیق شده (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۱؛ ابن داود تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۴۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۳) و در مورد پدرش یعنی محمدبن عیسی بن عبدالله الأشعری که برقی این حدیث را از او نقل کرده است، گفته شده که شیخ قمی‌ها و وجه آن جا بوده؛ یعنی به نوعی مدح شده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۸؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۳۳۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۵۴) و معمر بن خلاد نیز توثیق شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۲۱؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۳۴۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۶۹).

محمدباقر مجلسی این حدیث را «صحیح» می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳۶/۲۲). محمدباقر بهبودی نیز این حدیث را در کتاب گزیده کافی آورده و آن را صحیح می‌داند (بهبودی، ۱۳۶۳: ۴۱/۶). بنابراین، می‌توان گفت با توجه به اطلاعات رجالی و بر اساس روش نقد سندی علامه مجلسی و بهبودی، سند این حدیث معتبر است.

حدیث سوم

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا رَاحَةٌ دَائِرٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ

حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَامْرَأَةً صَالِحَةً تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَابْنَةً أَوْ أُخْتًا يُخْرِجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِمَّا بِمَوْتٍ أَوْ بِتَزَوُّجٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۵-۵۲۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵/۲۹۹) «در سه چیز برای مؤمن راحت‌ی وجود دارد، خانه‌ای که عورت و بدحالی‌اش را از مردم بپوشاند، زن صالحی که او را در امر دنیا و آخرت یاری دهد، دختر یا خواهری که یا با مرگ یا با ازدواج از منزلش بیرون بفرستد».

نقد سندی حدیث سوم

برقی همین حدیث را با اندکی تفاوت در متن از: «مَنْصُورُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفٍ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)» نقل می‌کند (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۶۱۰). یعنی این روایت از دو طریق به سعید بن جناح می‌رسد. طریق برقی سند عالی‌تری دارد؛ چون برقی با یک واسطه این حدیث را از سعید بن جناح نقل می‌کند؛ اما کلینی با سه واسطه.

کلینی این حدیث را از عده‌ای از مشایخ خود از سهل بن زیاد نقل می‌کند. عده‌ای که کلینی به واسطه آن‌ها از سهل بن زیاد روایت می‌کند، علی بن محمد بن علان، محمد بن ابی عبدالله، محمد بن الحسن (فروح) و محمد بن عقیل کلینی هستند (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ۱۲/۱۲۹). در کتب رجال ثمانیه و معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی، شرح حالی از علی بن محمد بن علان، محمد بن الحسن الطائنی الرازی و محمد بن عقیل الکلینی نیامده و درباره محمد بن ابی عبدالله در فهرست طوسی فقط این نکته ذکر شده که او صاحب کتاب بوده است (طوسی، بی‌تا: ۴۳۴). بنابراین، این عده مجهول‌اند. بیشتر علمای رجال سهل بن زیاد آدمی را ضعیف در حدیث دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۵؛ طوسی، بی‌تا: ۲۲۸؛ ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۵۹-۶۶؛ تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲: ۴۶۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۵۷). شیخ طوسی در فهرست خود، سهل بن زیاد را ضعیف می‌داند؛ اما در رجالش او را توثیق می‌کند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۸۷). در بررسی رجال حدیث دوم بیان شد که محمد بن یحیی العطار و احمد بن محمد بن عیسی الأشعری توثیق شده‌اند. از بین کتب رجال ثمانیه، ابن‌داود حلی، سعید بن جناح را ثقه می‌داند (تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲: ۱۶۹) و نجاشی اشاره می‌کند که او صاحب کتاب بوده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۲). درباره مطرف مولى معن، شرح حالی در کتب رجال ثمانیه و معجم رجال الحدیث خویی نیامده و مجهول است. لازم به ذکر است که طریق دیگر این حدیث در کتاب المحاسن برقی، به مطرف مولى معن می‌رسد. با توجه به این سلسله سند، محمدباقر مجلسی آن را ضعیف‌السند ارزیابی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳۶/۲۲). محمدباقر بهبودی نیز آن را ضعیف می‌داند و در گزیده کافی این حدیث را نقل نمی‌کند. باید توجه داشت که از نظر علامه مجلسی ضعیف سند، دلیل بر عدم اعتبار حدیث نیست؛ ولی از نظر بهبودی، ضعف سند، حدیث را از اعتبار و حجیت ساقط می‌کند.



حدیث چهارم

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شَعِيبٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَشِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَقُولُ الْعَيْشُ السَّعَةُ فِي الْمَنَازِلِ وَالْفَضْلُ فِي الْخَدَمِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۵-۵۲۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۰/۵) «عیش و خوشی در وسیع بودن خانه‌ها و زیاد بودن خدمتکاران است».

نقد سندی حدیث چهارم

برقی این حدیث را با کمی تفاوت در متن و سند نقل کرده است (برقی، ۱۳۷۱: ۶۱۰/۲). فیض کاشانی در الوافی این حدیث را با کمی تفاوت از برقی نقل کرده، مثلاً نام «سلیمان بن راشد» را مانند کلینی، «سلیمان بن رشید» ذکر کرده (احتمالاً تصحیفی صورت گرفته که نام صحیح، سلیمان بن رشید بوده است) و همچنین متن حدیث در کتاب الوافی با متن برقی متفاوت است و عیناً مانند متن کلینی در الکافی است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۹۰/۲۰). احتمالاً فیض کاشانی به جای اینکه این حدیث را به کتاب کلینی ارجاع دهد، اشتباهاً به المحاسن برقی ارجاع داده است.

کلینی این حدیث را از عده‌ای از اصحابش از احمد بن ابی عبدالله نقل کرده است. احمد بن ابی عبدالله همان احمد بن محمد بن خالد برقی است. در واقع، کلینی در سلسله سند از کنیه محمد بن خالد برقی (ابو عبدالله) که پدر احمد بن محمد بن خالد برقی است، استفاده کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۵؛ طوسی، بی تا: ۴۱۸؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۳؛ برقی، ۱۳۴۲: ۵۵؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۵۰۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۳۹). عده‌ای که برقی از آن‌ها روایت می‌کند عبارتند از علی بن ابراهیم، علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه، احمد بن عبد الله بن أمیه و علی بن الحسن (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۲) که از این عده، علی بن ابراهیم ثقة است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰؛ بن داود تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۲۳۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۰۰). از علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه در کتب رجالی ثمانیه مطلبی نیامده و در کتاب معجم رجال الحدیث آیت الله خویی به عنوان یکی از مشایخ کلینی معرفی شده (خویی، ۱۴۱۰: ۱۵۱/۱۲). احمد بن عبد الله بن أمیه نیز به عنوان یکی از مشایخ کلینی معرفی شده است (خویی، ۱۴۱۰: ۱۳۷/۲). درباره علی بن الحسن نیز مطلبی نیامده است. در مورد نوح بن شعیب در برخی کتب رجالی آمده که فقیه و عالم بوده (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۷۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۷۴) و مدح شده است. سلیمان بن رشید نیز نامش در چند کتاب رجالی آمده (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۸؛ برقی، ۱۳۴۲: ۵۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ۲۶۱/۸)؛ ولی توضیحی پیرامون جرح یا تعدیل او به میان نیامده است. درباره پدر سلیمان یعنی رشید و نیز بشیر که ناقل این روایت از معصوم است در کتب رجال ثمانیه و معجم الرجال آیت الله خویی مطلبی نیامده است، پس برخی افراد در این سلسله سند مجهول‌اند.

محمدباقر مجلسی نیز سند این حدیث را مجهول می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳۶/۲۲). محمدباقر بهبودی هم آن را ضعیف دانسته و در گزیده کافی نقل نمی‌کند.

حدیث پنجم

«عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام سُئِلَ عَنْ فَضْلِ عَيْشِ الدُّنْيَا قَالَ سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَكَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۶/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۹۰/۲۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۰/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷/۷۱) «از امام کاظم علیه السلام درباره خوبی زندگی دنیایی سؤال شد. فرمود: وسیع بودن منزل و زیاد بودن دوست داران».

نقد سندی حدیث پنجم

پیش از کلینی، برقی باندک تفاوتی این حدیث را از «سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ» نقل کرده است (برقی، ۱۳۷۱: ۶۱۱/۲).

کلینی این حدیث را از منصور بن عباس نقل می‌کند؛ اما طبقه کلینی با او فاصله دارد؛ چرا که در برخی احادیث، منصور بن عباس با یک واسطه از امام صادق علیه السلام حدیث نقل کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۹/۴) پس کلینی این حدیث را مستقیماً از منصور بن عباس نقل نکرده و در سلسله سند حدیث تعلیق رخ داده است. درباره منصور بن عباس در کتب رجال آمده که احادیث مضطرب است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۳؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۵۲۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۹). آیت الله خویی اضطراب در احادیث او را منافی وثاقت او نمی‌داند؛ چرا که اضطراب یعنی احادیث راوی گاهی شناخته می‌شود و گاهی نه (خویی، ۱۴۱۰: ۳۵۱/۱۸). قبلاً بیان شد که بهبودی اضطراب سند و متن را از موارد ضعف حدیث می‌داند. در مورد سعید بن جناح می‌توان گفت رجال شناسان او را ثقه دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۹۱؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۱۶۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۸۰). تعبیر "غیر واحد" نشان می‌دهد که ناقلان حدیث بیش از یک نفر هستند؛ ولی با توجه به اینکه سعید بن جناح از اصحاب اجماع نیست و امکان نقل وی از غیر ثقه وجود دارد، حدیث مذکور، مرسل و ضعیف خواهد بود.

محمدباقر مجلسی سند این حدیث را ضعیف می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳۷/۲۲). محمدباقر بهبودی نیز آن را ضعیف دانسته و در گزیده کافی آن را نقل نمی‌کند.

حدیث ششم

«أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۶۱۱/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۶/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۹۰/۲۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۲/۵) «خانه تنگ و محقر، زندگی را سخت و دشوار می‌سازد».



نقد سندی حدیث ششم

کلینی این حدیث را از ابو علی اشعری نقل می‌کند. رجال‌شناسان او را «احمد بن ادریس» که فردی ثقه است، معرفی می‌کنند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۲؛ طوسی، بی‌تا: ۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۶). البته اگر کسی در کتب رجال ثمانیه، عنوان ابو علی اشعری را جستجو کند، خواهد دید فقط کتاب «خلاصة الاقوال» علامه حلی به معرفی ابو علی اشعری پرداخته است و او را «محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالک شیخ القمیین» معرفی می‌کند، نه احمد بن ادریس (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۰). با این حال، علمای رجال‌شناس بعدی چون آیت الله خویی، ابو علی اشعری را همان احمد بن ادریس معرفی می‌کنند (خویی، ۱۴۱۰: ۲۴۷/۲۱). درباره محمد بن عبد الجبار می‌توان گفت رجال‌شناسان او را فردی ثقه می‌دانند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۹۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۴۲). همچنین در مورد محمد بن اسماعیل نیز می‌توان گفت که رجال‌شناسان او را توثیق کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۰؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۴؛ تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۲۹۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۳۹؛ خویی، ۱۴۱۰: ۹۵/۱۵). ابراهیم بن ابی البلاد نیز از جانب رجال‌شناسان فردی ثقه معرفی شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲-۴۴۶؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۲؛ کشی، ۱۴۰۹: ۵۰۴؛ ابن داود تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۳-۱۸۳؛ خویی، ۱۴۱۰: ۱۸۹/۱). علی بن ابی المغیره نیز توسط رجال‌شناسان توثیق شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۹؛ ابن داود تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۲۳۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۴۳-۱۰۳). مجلسی سند این حدیث را صحیح می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳۷/۲۲). بهبودی نیز در کتاب گزیده کافی این حدیث را ذکر می‌کند که نشان می‌دهد این حدیث را صحیح و معتبر می‌دانسته است (بهبودی، ۱۳۶۳: ۴۱/۶).

حدیث هفتم

«عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ» (برقی، ۱۳۷۱: ۶۱۱/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۶/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۸۹/۲۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۰/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۲/۷۳) «از سعادت و نیک‌بختی مرد مسلمان، داشتن خانه بزرگ است».

نقد سندی حدیث هفتم

کلینی این حدیث را از علی بن ابراهیم نقل کرده است. قبلاً اشاره شد که علی بن ابراهیم و پدرش توثیق شده‌اند. درباره نوفلی باید گفت که اسم او «حسین بن یزید» است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۱۶؛ خویی، ۱۴۱۰: ۱۵۱/۲۳) و عده‌ای از قمی‌ها گفته‌اند که نوفلی در اواخر

عمرش غالی شده؛ اما نجاشی می‌گوید: خدا داناتر است و ما روایتی که بر این موضوع دلالت کند از او ندیده ایم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۱۶). بنابر قول نجاشی، نمی‌توان نوفلی را جرح کرد و او را ضعیف دانست؛ اما مطلبی که به صراحت به ثقه بودن و حتی مدح او اشاره کند نیز یافت نمی‌شود. درباره سکونی که این حدیث را از امام صادق علیه السلام نقل کرده باید گفت که نامش «اسماعیل بن ابی زیاد» است و فردی عامی (اهل سنت) است (برقی، ۱۳۴۲: ۲۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۹۹). با این وجود، در کتب حدیثی شیعه از او چندین روایت نقل شده است. در کتب رجال ثمانیه و معجم الرجال الحدیث آیت الله خویی مطلبی در وثاقت یا مدحش یافت نمی‌شود.

محمدباقر مجلسی در مورد این حدیث می‌نویسد: «ضعیف علی المشهور» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳۷/۲۲). تعبیر «ضعیف علی المشهور» در کلام علامه مجلسی بر این مطلب دلالت دارد که ایشان سند را ضعیف ارزیابی کرده‌اند؛ اما به منظور جبران ضعف سند به قرائنی استناد می‌کنند مانند: نقل روایت با سندی صحیح، صحت روایت از منظر برخی از عالمان امامیه، دلالت روایت بر حکم فقهی مشهور، شهرت روایت نزد متقدمان امامیه، فتوای برخی از فقیهان امامیه به روایت، تلقی به قبول شدن از منظر امامیه، تکرار روایت در اصول (ایزدی مبارکه، ۱۳۸۹: ۷۳). بنابراین، مجلسی این روایت را معتبر می‌داند؛ در حالی که بهبودی آن را ضعیف می‌داند و در گزیده کافی آن را نقل نمی‌کند.

حدیث هشتم

«وَبَهَذَا الْإِسْنَادُ: (عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: شَكَرَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّ الدَّوْرَ قَدْ اكْتَنَفَتْهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص أَرْفَعُ صَوْتَكَ مَا اسْتَطَعْتَ وَسَلِّ اللَّهُ أَنْ يَوْسَعَ عَلَيْكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۶/۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۰/۵) «روزی مردی انصاری از رسول خدا از بدی خانه و تنگی آن شکوه کرد. پیامبر فرمود: آنچه در توان داری صدایت را بلند کن و از خداوند بخواه که خانه‌ات را وسیع کند».

نقد سندی حدیث هشتم

رجال این سلسله سند در حدیث قبلی (حدیث هفتم) بررسی شد. محمدباقر مجلسی درباره این حدیث نیز می‌نویسد: «ضعیف علی المشهور» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳۷/۲۲). بنابراین، باتوجه به توضیحات قبلی علامه مجلسی این حدیث را معتبر می‌داند و آقای بهبودی آن را ضعیف می‌شمارد. طبق بررسی سندی، علامه مجلسی احادیث اول، دوم، ششم، هفتم و هشتم را معتبر می‌داند و مرحوم بهبودی احادیث اول، دوم و ششم را معتبر می‌شمارد.



د. نقد متنی با توجه به مفاهیم و تعبیر به کاررفته در احادیث «وسعت منزل»

از دیدگاه علامه مجلسی و محمدباقر بهبودی، حداقل سه حدیث از احادیث باب وسعت منزل در کتاب الکافی معتبرند. علامه مجلسی در مرآة العقول هیچ توضیحی درباره این روایات بیان نمی‌کند. پیش‌تر بیان شد که در فهم احادیث وسعت منزل دو دیدگاه وجود دارد؛ یک دیدگاه آن است که وسعت منزل هرچه قدر باشد اشکال ندارد، دیگر آن که وسعت منزل حدی دارد و اگر زیاد باشد مصداق تجمل است و از آن جایی که اهل بیت ساده‌زیست بودند، این برداشت از روایت نادرست است. علامه مجلسی برای نقد متن و فهم صحیح روایات از راهکارهایی چون بهره‌گیری از احادیث دیگر استفاده می‌کند. با توجه به این نکته، در ادامه روایاتی در مخالفت با داشتن منزل وسیع و نیز روایاتی دال بر داشتن رزق به‌اندازه نیاز بیان می‌گردد. سپس فهمی که می‌توان از روایات وسعت منزل داشت، بیان می‌گردد.

۱. روایاتی در مخالفت با داشتن منزل وسیع

روایت اول: اصحاب به رسول خدا گفتند: یا رسول الله! خانه چگونه به ریا و برای شهرت ساخته می‌شود؟ پیامبر فرمودند: «يَبْنِي فَضْلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ أَوْ يَبْنِي مَبَاهَةً»: به اینکه بیش از اندازه کفاف بسازد، یا برای اینکه به آن ببالد (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۸۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۱/۴-۱۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۲۷؛ ابن ابی فراس، ۱۴۱۰: ۲/۲۵۹؛ دیلمی، ۱۴۰۸: ۴۱۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵/۳۳۹). شیخ صدوق این حدیث را در سه کتاب خویش نقل کرده (من لا يحضره الفقيه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، أمالی) و به این ترتیب، ظاهراً این حدیث را صحیح می‌دانسته است. محمدتقی مجلسی در روضة المتقين - شرح من لا يحضره الفقيه - می‌نویسد: این حدیث نزد مصنف (شیخ صدوق) صحیح بوده است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۳۷/۹).

روایت دوم: از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «كُلُّ بَنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۶۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۵۳۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۷/۶۷۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۵/۳۸۷) «هر ساختمانی که به‌اندازه نیاز نباشد (بیش از اندازه نیاز باشد)، روز قیامت، بر مالکش سنگینی خواهد کرد». محمدباقر مجلسی در مرآة العقول، سند این حدیث را ضعیف می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲/۴۴۶).

روایت سوم: از امام صادق (ع) روایت شده: «مَنْ بَنَى فَوْقَ مَا يَسْكُنُهُ كُفَّ حَمْلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۶۰۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵/۳۳۸؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲/۲۱۵) «هرکس فراتر از حد نیاز سکونتش، ساختمان بسازد، روز قیامت وا داشته می‌شود که آن را بر دوش کشد». سند این روایت

(عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي يُونُسَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) به دلیل وجود راوی مجهول به نام «أبي يوسف» مجهول است. اگر کسی مرسلات ابن ابی عمیر را مانند مسانید او نداند، سند این روایت مرسل و ضعیف خواهد بود.

روایت چهارم: از امام کاظم (علیه السلام) روایت شده: «پیامبر خدا در یکی از سفرهایشان به کاروانی برخورد کردند. از آن‌ها پرسیدند: شما کیستید؟ پاسخ دادند: ما مؤمن هستیم. پیامبر از آنان پرسید: حقیقت ایمان چیست؟ گفتند: خشنودی به قضای خدا، واگذار کردن کارهایمان برای خدا، گردن نهادن به فرمان خدا. پیامبر فرمود: ... اگر راست می‌گویید، «فَلَا تَبْتُئُوا مَا لَا تَسْكُونُونَ»: خانه‌ای که در آن ساکن نمی‌شوید، بنا می‌کنید...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۸/۲). علامه مجلسی سند این روایت را صحیح می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۷)؛ اما مرحوم بهبودی آن را ضعیف می‌داند و در گزیده کافی نقل نمی‌کند.

روایت پنجم: از روایاتی که ذکر شد هیچ کدام بر مبنای روش مرحوم بهبودی معتبر نیستند و در نتیجه نمی‌توان برای فهم احادیث وسعت منزل از آن‌ها استفاده کرد؛ اما بر مبنای روش علامه مجلسی می‌توان از این روایات برای فهم احادیث وسعت منزل استفاده کرد. اگر به این احادیث دقت شود، می‌توان فهمید که آن‌ها تعارضی با احادیث وسعت منزل ندارند؛ بلکه آن‌ها را مقید می‌کنند. وجه مشترک این روایات آن است که خانه نباید بیش از اندازه کفاف و نیاز باشد. بنابراین، روایات مذکور، روایات وسعت منزل را قید می‌زنند و بر این نکته دلالت می‌کنند که در عین حال که شایسته نیست انسان مومن در خانه کوچک زندگی کند، وسعت منزل باید به اندازه نیاز و کفاف باشد.

۲. روایات دلالت کننده بر داشتن رزق به اندازه نیاز

روایت اول: از رسول خدا نقل شده که فرمودند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَمَنْ أَحَبَّهُمُ الْعَفَافَ وَالْكَفَافَ وَارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْمَالَ وَالْوَلَدَ» (منسوب به علی بن موسی، ۱۴۰۶: ۳۶۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۰/۲؛ ابن‌اشعث، بی‌تا: ۱۸۳؛ راوندی کاشانی، بی‌تا: ۱۶؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۲۵) «خداوند! به محمد و آل محمد، و دوستداران محمد و آل محمد، عفاف و کفاف روزی کن، و به دشمنان محمد و آل محمد، مال و فرزند فراوان بده». علامه مجلسی سند این حدیث را «ضعیف علی المشهور» می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲۹/۸)؛ بنابراین، با توجه به مطالبی که درباره استفاده مجلسی از این تعبیر بیان شد، مجلسی این حدیث را معتبر می‌داند؛ اما محمدباقر بهبودی این حدیث را در گزیده کافی ذکر نمی‌کند و آن را ضعیف و نامعتبر می‌داند.

روایت دوم: امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اسلام نقل می‌کند: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۰/۲؛ ابن ابی فراس، ۱۴۱۰: ۱۹۵/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۸۲/۱۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۳۲/۲۱) «خوشا به حال آن که اسلام آورد و [امکانات] زندگی اش به اندازه کفاف باشد».



سند این روایت مانند روایت قبلی است و علامه مجلسی آن را ضعیف علی المشهور و معتبر می‌داند؛ و محمدباقر بهبودی آن را نامعتبر می‌داند و در گزیده کافی نقل نمی‌کند.

روایت سوم: از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «وَلَا تَسْأَلُوا فَوْقَ الْكَفَافِ وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ الْبَلَاغِ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۵/۷۰) «در دنیا بیش از اندازه نیاز نخواهید و بیش از کفاف نجوید». سیدرضی در نهج البلاغه اسناد را ذکر نکرده است. سیدعبدالزهر الحسینی الخطیب در کتاب مصادر نهج البلاغه مصدر این روایت را کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق ذکر می‌کند (حسینی، ۱۴۰۹: ۶/۲-۷)؛ اما شیخ صدوق سندی برای این خطبه (حدیث شماره ۱۴۸۲) بیان نمی‌کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۵۱۴-۵۱۶) بنابراین، سند این روایت طبق نظر علامه مجلسی و بهبودی، مرسل و ضعیف خواهد بود.

روایت چهارم: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «إِنَّ مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَ أَلْهَى اللَّهَمَّ أَرْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۸۲/۱۲) «اندک و کافی، بهتر از زیاد و فریبنده است. خداوندا به اندازه کفاف به محمد و خاندانش روزی فرما!».

علامه مجلسی سند این روایت را مرفوع می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۳۱/۸)، بنابراین، سند این روایت نیز از دید علامه مجلسی و بهبودی ضعیف است.

بر مبنای روش علامه مجلسی می‌توان از این روایات - در عین ضعیف بودن - برای فهم احادیث وسعت منزل استفاده کرد و با توجه به اینکه این روایات تقویت کننده روایات قبلی است؛ بنابراین، خانه نباید بیش از اندازه کفاف و نیاز باشد؛ اما از دیدگاه بهبودی، این روایات نامعتبرند و نمی‌توان به آنها برای فهم روایات وسعت منزل استناد کرد.

با توجه به اینکه مخالفت با روایات عامه از مبانی مجلسی و بهبودی است، در ادامه روایات عامه در مورد وسعت منزل و چگونگی نقد و فهم روایات بر اساس مبنای مخالفت با عامه بیان می‌گردد.

۳. تأکید روایات بر کوچک نبودن منزل

از بین سه حدیث وسعت منزل که مرحوم بهبودی آن را صحیح می‌داند، دو حدیث (حدیث دوم و ششم) در مذمت کوچک بودن منزل است. به عبارتی، این روایات، بیش از اینکه به وسعت منزل توصیه کنند به کوچک نبودن منزل توصیه می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت مراد از وسعت منزل، کوچک نبودن آن است. عنوان باب احادیث وسعت منزل در کتاب وسائل الشیعه نیز «كَرَاهَةُ ضَيْقِ الْمَنْزِلِ وَ اسْتِحْبَابِ تَحَوُّلِ الْإِنْسَانِ عَنِ الْمَنْزِلِ الضَّيِّقِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۲/۵) می‌باشد که می‌توان گفت شیخ حرعاملی وسعت منزل را به کوچک نبودن آن می‌داند. این مطلب با احادیثی که به داشتن منزل به اندازه

نیاز دلالت دارند، قابل جمع است. با توجه به احادیثی که به فراهم کردن آسایش برای خانواده توصیه می‌کنند مانند «صَاحِبُ النَّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَنْ عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۴) می‌توان به این نتیجه رسید که طبق روش علامه مجلسی و با استفاده از احادیث ضعیف السند، جمع این احادیث این‌گونه می‌شود که اگر فردی خانه‌ای کوچک دارد باید برای راحتی خانواده‌اش، جهت فراهم کردن خانه‌ای بزرگتر به این معنی که در اندازه نیاز باشد، تلاش کند. از دیدگاه مرحوم بهبودی استناد به احادیث ضعیف السند نادرست است. در عین حال، تعبیر "منزلک ضیق" و "ضیق المنزل" در روایات دوم و ششم که از نظر بهبودی صحیح هستند، می‌توانند مفسر تعبیر "سعه المنزل" در روایت نخست باشند. بدین ترتیب، سعه المنزل به معنای تنگ و کوچک نبودن منزل است، نه آن که وسعت منزل به حدی باشد که فراتر از نیاز و کفاف و مصداق تجمل و اسراف تلقی شود.

از طرف دیگر، ساخت‌وساز بی‌رویه و افزون بر نیاز، نوعی اسراف است و در شرایطی که بسیاری از مردم توان تهیه کوچک‌ترین سرپناه را برای خود ندارند، به شدت نکوهیده است و معصومان در روایاتشان با تعبیرهای بسیار تندی، مسلمانان را از ساختن چیزی که به آن نیاز ندارند، نهی کرده‌اند (محمدری شهری، ۱۳۹۰: ۶۱۹/۲).

۴. احادیث عامه در مورد وسعت منزل

در کتب حدیثی اهل سنت اغلب احادیث مربوط به وسعت منزل با تعبیر «المسکن الواسع» از پیامبر نقل شده است. احادیث نقل شده در کتب حدیثی اهل سنت را می‌توان در روایات ذیل خلاصه کرد:

روایت اول: حدثنا عبدالله حدثني أبي ثنا وكيع عن سفيان عن حبيب بن أبي ثابت حدثني حميل أنا ومجاهد عن نافع بن عبد الحرث قال قال رسول الله: «من سعادة المرء الجار الصالح والمركب الهنيء والمسكن الواسع» (ابن حنبل، بی تا: ۴۰۷/۳) از خوشبختی مرد، همسایه نیکوکار، مرکب راهوار و خانه وسیع است. صاحب الترهیب و الترهیب و همچنین صاحب مجمع الزوائد این حدیث را عیناً نقل کرده‌اند و سند آن را صحیح دانسته‌اند (منذری، ۱۴۱۷: ۲۴۶/۳؛ هیثمی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۸).

روایت دوم: أخبرنا محمد بن إسحاق بن إبراهيم مولى ثقیف قال حدثنا محمد بن عبد العزيز بن أبي رزمة قال حدثنا فضل بن موسى عن عبدالله بن سعيد بن أبي هند عن اسماعيل بن محمد بن سعد بن أبي وقاص عن أبيه عن جده قال قال رسول الله: «أربع من السعادة المرأة الصالحة والمسكن الواسع والجار الصالح والمركب الهنيء وأربع من الشقاوة الجار السوء والمرأة السوء والمسكن الضيق والمركب السوء» (ابن حبان، ۱۴۱۴: ۳۴۰/۹) چهار چیز موجب خوشبختی است؛ زن نیکوکار، خانه‌ای بزرگ، همسایه نیکوکار و مرکب راهوار و چهار چیز باعث بدبختی است؛ همسایه بد، زن بد، خانه تنگ و مرکب بد. به غیر از ابن حبان که این حدیث را صحیح می‌داند، صاحب الأحادیث المختارة نیز این حدیث را عیناً؛ اما با سندی دیگر نقل می‌کند و آن را صحیح می‌داند (حنبل، مقدسی، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۳).



روایت سوم: حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا حميد بن عياش الرملي ثنا محمد بن إسماعيل ثنا سفيان بن حبيب بن أبي ثابت عن جميل عن نافع بن عبد الحارث قال قال رسول الله: «من سعادة المرء المسلم في الدنيا الجار الصالح و المنزل الواسع و المركب الهنيء» و هذا حديث صحيح الإسناد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۸۴/۴) از خوشبختی مرد مسلمان در دنیا، داشتن همسایه نیکوکار، خانه‌ای بزرگ و مرکبی راهوار است. این حدیث طبق نظر حاکم نیشابوری صحیح الإسناد است.

روایت چهارم: «إن من سعادة المرء المسلم المسكن الواسع و الجار الصالح و المركب الهنيء» أحمد من حديث نافع بن عبد الحارث و سعد بن أبي وقاص و حديث نافع أخرجه الحاكم و قال صحيح الإسناد (عراقی، ۱۴۱۵: ۵۲۴/۱). از خوشبختی مرد مسلمان داشتن خانه بزرگ، همسایه نیکوکار و مرکب راهوار است. صاحب المغنی عن حمل الأسفار در مورد صحت این حدیث می‌گوید حاکم نیشابوری آن را صحیح الإسناد دانسته است. بنابراین، طبق نظر علمای اهل سنت احادیث مربوط به وسعت منزل صحیح است.

مرحوم بهبودی بیان می‌کند: «در برخی مصادر هست که امام فرموده‌اند: آنچه موافق عامه بود، رد کنید و آنچه مخالف عامه بود، بپذیرید»^۱ ... این مطلب معنایش آن است که آن مطلب حتماً جعل شده است (بهبودی، ۱۳۸۱: ۷۸). مخالفت با عامه از مبانی علامه مجلسی نیز می‌باشد. با توجه به این مبنا، احادیث وسعت منزل موافق با عامه است؛ آیا باید آن‌ها را رد کرد؟

در جواب باید گفت گرچه احادیث وسعت منزل موافق با عامه است؛ اما نباید آن‌ها را رد کرد، چون معیار مخالفت با عامه در جایی مطرح می‌شود که احادیث اهل بیت دچار تعارض و اختلاف است و برای رفع اختلاف، احادیثی که مخالف با عامه است اخذ می‌شود و احادیث موافق با عامه دال بر تقیه در نظر گرفته و رد می‌شود. شیخ کلینی در ابتدای الکافی به این مطلب اشاره می‌کند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۱). با توجه به اینکه احادیث متعارضی با احادیث وسعت منزل وجود ندارد، معیار مخالفت با عامه مطرح نمی‌شود و این دسته از احادیث جزء میراث حدیثی مشترک شیعه و اهل سنت محسوب می‌شوند. یکی دیگر از روش‌های نقد متنی حدیث، سنجش سازگاری محتوای حدیث با واقعیات تاریخی زمان صدور است که در ذیل به آن می‌پردازیم.

۱. ما وافق العامة فردوه و ما خالف العامة فخذوه.

۲. فاعلم يا أخي أرشدك الله أنه لا يسع أحدا تمييز شيء، ممّا اختلف الرواية فيه عن العلماء عليهم السلام برأيه، إلا على ما أطلقه العالم بقوله عليه السلام: ... «دعوا ما وافق القوم فإنّ الرشد في خلافهم».

۵. سازگاری محتوای حدیث با واقعیات تاریخی زمان صدور

با توجه به اینکه در صدر اسلام، پیامبر| برای هر یک از همسران خود جداگانه تهیه کرده بودند و امام علی (علیه السلام) نیز حداقل در مدینه دو منزل داشتند و همچنین برخی از اصحاب، منازل بزرگ داشتند، می‌توان نتیجه گرفت که دین اسلام داشتن منزل بزرگ یا داشتن بیش از یک منزل را جایز دانسته است. در تاریخ یعقوبی آمده: «پیامبر| تا زمانی که مسجد و حجره‌های کنار آن که محل سکونت پیامبر| بود، ساخته شود؛ در منزل ابو ایوب بودند و بعد از بنای آنجا از خانه او رفتند (یعقوبی، بی‌تا: ۴۱/۲). بنا به نقل ابن سعد در طبقات الکبری، منازل اطراف مسجد مدینه متعلق به حارثه بن نعمان بود. هرگاه پیامبر| ازدواج می‌کردند، حارثه قسمتی از منزل خود را رها می‌کرد (در اختیار پیامبر می‌گذاشت و پیامبر آن را برای همسر جدید خود بر می‌گزید) تا جایی که همه آن منازل به پیامبر و همسران ایشان رسید (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۱۳۳/۸). همچنین روایت شده: «وقتی پیامبر| به غزوة دومة الجندل عزیمت کردند، ام سلمه خانه را با خشت ساخت. همین که پیامبر| از جنگ برگشت به آن خشت‌ها نگاه کرد و فرمود: این خشت‌ها چیست؟ پاسخ داد یا رسول الله! خواستم از دید مردم محفوظ باشیم. پیامبر فرود: ام سلمه! بدترین چیزی که از مال مسلمان خرج می‌شود ساختمان است!» (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۱۳۳/۸). وقتی خانه‌های پیامبر| خراب شد ابوامامه می‌گوید: «ای کاش این خانه‌ها خراب نمی‌شد تا به خودی خود از بین می‌رفت و مردم می‌دیدند خداوند برای پیامبر خود که کلید گنجینه‌های دنیا را در دست داشت، چه زندگانی‌ای را پسندیده است!» (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۱۳۴/۸). می‌توان گفت: اینکه پیامبر برای همسران جدید خود خانه‌ای جداگانه تهیه می‌کرد، مطابق با احادیث «كِفَايَةُ الْعِيَالِ وَالتَّوَسُّعِ عَلَيْهِمْ»؛ و «اسْتِحْبَابُ التَّوَسُّعِ عَلَى الْعِيَالِ» است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۴۰/۲۱). به عبارتی، وقتی پیامبر| ازدواج می‌کند، بهتر است برای هر یک از زنان خانه‌ای جداگانه داشته باشد. برخورد پیامبر| با ام سلمه در مورد ساخت خانه با خشت، و سخن ابوامامه می‌تواند مخالف این برداشت از احادیث وسعت منزل باشد که داشتن منزل بزرگ یا منازل زیاد هرچه قدر که باشد، جایز است. بتنونی بعد از توضیح درباره خانه همسران پیامبر| می‌نویسد: «با این خصوصیات می‌توان به سادگی به زندگی پیامبر| و خانه‌های ایشان پی برد. به‌طوری که هیچ‌گاه حضرت برای خود و همسران خویش، پا را فراتر از نیازهای فردی زندگی نگذاشت... رسول خدا| خانه و مسکن خویش را آن‌چنان ساده و در عین حال بهداشتی ساخته بود تا این‌گونه زندگی را در میان پیروان خود ترویج نماید (بتنونی، ۱۳۸۱: ۳۹۹-۴۰۰). علت تعداد خانه‌های امام علی (علیه السلام) را نیز می‌توان همسران متعدد ایشان دانست. در مورد صحابه (اگر خانه بزرگ داشتند) می‌توان گفت عمل آن‌ها لزوماً مورد تأیید ائمه و حجت



نیست. در نهج البلاغه در مورد اصحاب امام علی (علیه السلام) نقل شده است؛ امام علی (علیه السلام) هنگام عیادت علاء بن زیاد حارثی که از اصحاب ایشان بود، با دیدن سرای بزرگ وی فرمود: «خانه به این بزرگی را در این دنیا برای چه می‌خواهی، در صورتی که در آخرت به آن نیازمندتری؟ آری اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی»^۱ (سیدرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲۰۹). البته آنچه در این گزارش‌ها تصریح شده، نهایتاً تعدد خانه است و نه بزرگی آن. ثانیاً بر اساس روایات و گزارش‌های تاریخی حکمت این تعدد نیز بیش از هر چیز، نیاز خانواده و عیال و فراهم کردن رفاه آنان در حدود شرعی و عرفی است.

نتیجه‌گیری

۱. در کتاب شریف الکافی هشت حدیث در باب «سعة المنزل» آمده که طبق روش علامه مجلسی پنج حدیث معتبر است (حدیث اول، دوم، ششم، هفتم و هشتم) و طبق نظر محمدباقر بهبودی، سه حدیث (حدیث اول، دوم و ششم).
۲. طبق دیدگاه علامه مجلسی احادیث ضعیف السند کاملاً بی‌اعتبار نیستند و می‌توان از آن‌ها برای شرح روایات استفاده کرد و ارزیابی سندی روایات الکافی در مرآة العقول توسط ایشان به این دلیل است که به هنگام تعارض بین دو حدیث، حدیثی که سند معتبرتری دارد را ترجیح دهد. اما طبق دیدگاه محمدباقر بهبودی، حدیثی که ضعف سندی دارد، حجت نیست. به همین دلیل، بیشتر تلاش بهبودی آن است که سند احادیث را تصحیح کند.
۳. روایات وسعت منزل در کتب عامه نیز نقل شده؛ اما نمی‌توان بر اساس معیار مخالفت با عامه، این احادیث را رد کرد؛ چون معیار مخالفت با عامه در جایی مطرح می‌شود که احادیث اهل بیت دچار تعارض است. در اینجا، تعارضی بین احادیث وسعت منزل در منابع حدیثی شیعه وجود ندارد.
۴. از دیدگاه علامه مجلسی سند پنج حدیث و از منظر محمدباقر بهبودی سند سه حدیث از هشت روایت مربوط به این موضوع صحیح است.
۵. تعابیر «منزلک ضیق» و «ضیق المنزل» در روایات دوم و ششم که از نظر بهبودی صحیح هستند، می‌توانند مفسر تعبیر «سعة المنزل» در روایت نخست باشند. بدین ترتیب، سعة المنزل به معنای تنگ و کوچک بودن منزل است، نه آن که وسعت منزل به حدی باشد که فراتر از نیاز و کفاف و مصداق تجمل و اسراف تلقی شود.
۶. آنچه در گزارش‌های تاریخی راجع به منازل پیامبر اکرم (ص)، امیرالمومنین علی (علیه السلام) و برخی اصحاب

۱. مَا كُنْتُ نَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا أَمَا أَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجَ وَبَلَىٰ إِنَّ شَيْءَ بَلْغَتِهَا الْآخِرَةُ.

آمده حداکثر بر تعدد خانه دلالت می‌کند و نه بزرگی آن. بر اساس روایات و گزارش‌های تاریخی حکمت این تعدد نیز بیش از هر چیز، نیاز خانواده و تامین رفاه آنان در حدود شرعی و عرفی است. ۷. با توجه به استفاده علامه مجلسی از روایات دیگر برای تبیین روایات و وجود روایاتی که به داشتن منزل و رزق به اندازه نیاز دلالت دارند؛ و همچنین احادیثی که به فراهم کردن آسایش خانواده توصیه می‌کنند، می‌توان به این نتیجه رسید که طبق روش علامه مجلسی جمع این احادیث آن است که اگر فردی خانه‌ای کوچک دارد باید برای راحتی خانواده‌اش، جهت فراهم کردن خانه‌ای بزرگ‌تر تلاش کند.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن ابی فراس، ابی حسین ورام، تنبیه الخواطر و نزہة النواظر، قم: مکتبة فقهية، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابن أشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مکتبة النینوی الحدیثة، بی تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۷. ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، به کوشش: شعیب الأرئووط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق.
۸. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۹. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، به کوشش: محمدرضا حسینی، قم: دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.
۱۰. افشاری، فاطمه، «تجمل‌گرایی از دیدگاه قرآن و روایات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآنی قم، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. ایزدی مبارکه، کامران؛ دیمه کار گراب، محسن، «روش‌های مجلسی در نقد سند حدیث، با تکیه بر مرآة العقول»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره ۱، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. ایزدی، مهدی؛ مظاهری طهرانی، بهاره، «علت در حدیث و موازین شناخت آن از دیدگاه استاد محمداقربابقر بهبودی»، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دوازدهم شماره ۴، ۱۳۹۴ ش.
۱۳. بتونی، محمد لیب، سفرنامه حجاز، ترجمه هادی انصاری، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. برقی، احمد بن محمد، الطبقات الرجال، به کوشش: محمد بن الحسن الطوسی، حسن

- مصطفوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۱۵. برقی، احمدبن محمدبن، المحاسن، به کوشش: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
 ۱۶. بهبودی، محمدباقر، گزیده کافی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
 ۱۷. بهبودی، محمدباقر، علل الحديث، تهران: انتشارات سنا، ۱۳۷۸ش.
 ۱۸. بهبودی، محمدباقر، «گفتگو با استاد محمدباقر بهبودی»، حدیث اندیشه، شماره ۱، ۱۳۸۱.
 ۱۹. تقی الدین حلی، حسن بن علی، الرجال، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
 ۲۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
 ۲۱. حرعاملی، محمدبن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، به کوشش: آستان قدس رضوی - بنیان پژوهش های اسلامی - گروه حدیث، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۴ق.
 ۲۲. حرعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
 ۲۳. حسینی، سیدعبدالزهرء، مصادر نهج البلاغه و أسانیده، بیروت: دارالزهراء، چاپ چهارم، ۱۴۰۹ق.
 ۲۴. حنبلی مقدسی، محمدبن عبدالواحد، الأحادیث المختارة، به کوشش: عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مکه: مكتبة النهضة الحديثة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
 ۲۵. خدامیان آرانی، علی اکبر، «روش فقه الحدیثی علامه مجلسی در مرآة العقول»، دوفصلنامه حدیث حوزه، شماره ۸، ۱۳۹۳ش.
 ۲۶. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
 ۲۷. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر للراوندی، به کوشش: احمد صادقی اردستانی، قم: دارالکتاب، بی تا.
 ۲۸. سرشار، مژگان، «دیدگاه های استاد محمدباقر بهبودی در گزینش احادیث صحیح»، مجله علوم حدیث، شماره ۴۹-۵۰، ۱۳۸۷ش.
 ۲۹. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، به کوشش: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
 ۳۰. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.



۳۱. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
۳۲. طوسی، محمد بن الحسن، رجال الطوسی، به کوشش: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۷۳ش.
۳۳. طوسی، محمد بن الحسن، فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، به کوشش: عبدالعزيز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائی، بی تا.
۳۴. عراقی، أبوالفضل، المغنی عن حمل الأسفار، به کوشش: أشرف عبدالمقصود، ریاض: مكتبة طبرية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، به کوشش: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۳۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتاب خانه امام أميرالمؤمنين علی (علیه السلام)، ۱۴۰۶ق.
۳۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی-اختیار معرفة الرجال، به کوشش: محمد بن الحسن الطوسی، حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، به کوشش: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۴۱. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، به کوشش: حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهااردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۴۲. محمدی ری شهری، محمد، توسعه اقتصادي بر پایه قرآن و حدیث، مترجم: حسینی، ابوالقاسم، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۰ش.
۴۳. منذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، الترغیب و التهیب من الحدیث الشریف، به کوشش: إبراهيم شمس الدين، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۴۴. موسوی امیری، سید محمد، «معماری از منظر آیات و روایات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی قم، ۱۳۹۶.



۴۵. نادری، مرتضی، «واکاوی آراء استاد محمدباقر بهبودی پیرامون موضوعات در حدیث شیعه»، فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۴۴، ۱۳۹۳ ش.
۴۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۵ ش.
۴۷. هيثمی، علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۴۸. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، چاپ اول، بی تا.